

برنامه «صباحگاه» با محوریت شرکت‌های دانش‌بنیان در عرصه بازی‌سازی ازجمله گیمرها و بازی‌سازها روی آنتن رادیوصبا می‌رود.

امیر بیشه، تهیه‌کننده برنامه صباحگاه رادیو صبا درباره این برنامه که با محوریت شرکت‌های دانش‌بنیان در عرصه بازی‌سازی است، گفت: صباحگاه، باشگاه مهارت رادیو صباست که در فصل اول به بازی‌های رایانه‌ای می‌پردازیم.

روایت «صباحگاه» از بازی‌سازها و گیمرها

دندان سربال شبکه ۳ بررسی شد

ر هیاهوی آتش و باد



آن رای‌ای کم‌مهری گذاشت؟

نجاریان: هر کسی مهر ببیند، می‌آید و کار می‌کند. تلویزیون و سینما با هر جای دیگر هم برایش فرق نمی‌کند. مثلاً ما از آقای کاردان، آقای راعی یا دیگر عزیزان درخواست کردیم، لطف کردند، پذیرفتند و آمدند. با مهر کار کردیم و نتیجه‌اش خوب شد. به نظرم این گمشده تلویزیون است و برخی مدیران توجه کنند که با هنرمند با مهر برخورد کنند.

یکی از بخش‌های دشوار کار انتخاب هنرمندان برای شخصیت‌های قصه است. مسلمان با توجه به تعدد شخصیت‌ها در سربال آتش و باد، کار شما سخت‌تر می‌شد. از سوی دیگر در این سربال هنرمندان درده‌های سنی متفاوت را می‌بینیم، حتی جوان‌ترها کنار پیشکسوتان حضور دارند که تجربه کمتری جلو دوربین داشتند. در این باره توضیحی بدهید که تا چه میزان زمان برای انتخاب بازیگران صرف کردید؟

نجاریان: دستیار خیلی خوب داشتیم که کار انتخاب بازیگران به عهده او و گروه کارگردانی بود. از سوی دیگر من به همراه آقای راعی کارهای زیادی کرده‌بودیم و تعدادی از بازیگران جوان را می‌شناختم و درش ماهی که پیش‌تولید داشتیم برای شروع کار، زمان داشتیم تا بعضی از بازیگران که دیرتر کارشان شروع می‌شد را انتخاب کنیم. در مجموع همفکری زیاد داشتیم. برخی‌ها را من پیشنهاد می‌دادم و بعضی‌ها را راعی. همچنین برخی هم دستیار پیشنهاد می‌داد تا این‌که به این انتخاب‌ها رسیدیم که شما شاهد آن هستید. به نظرم یک جمع خیلی خوب شد که هم

از پیشکسوتان حضور دارند و از تجربیات بازیگری‌شان استفاده می‌کنیم و هم جوانان حضور دارند و از جسارت و انرژی آنان استفاده می‌کنیم. در مجموع به یک جمع قابل قبول در بازیگران رسیدیم که با همفکری آقای راعی و دیگر دوستان در طول کار صورت گرفت. از سوی دیگر ویژگی آقای راعی این است که حرف‌ها را خوب می‌شنود و بهترین‌ها را انتخاب می‌کند.

بازیگران در این سربال با قدرت ظاهر شدند اما در این جمع، بازیگرانی داریم که مشابه این نقش‌ها را داشتند مثلاً محمود پاک‌نیت را خیلی در نقش خان دیدیم یا آقای فلاح معمولاً نقش‌های منفی بازی می‌کند. این انتخاب‌ها چطور صورت گرفت و چقدر با این نظر موافقت؟

نجاریان: من در گذشته، سال‌های زیادی دستیار بودم اما باید تأکید کنم که در انتخاب خیلی دست‌مان باز نیست، مثلاً بگویم چون آقای پاک‌نیت چند بار نقش خان را بازی کرده، او را برای نقش خان انتخاب نکنیم. آن وقت است که هم آقای پاک‌نیت را از دست می‌دهیم چون بازیگر بسیار خوب، توانا و همراهی است و هم کسی که بتواند نقش خان را خوب بازی کند، سواکاری بلد باشد و قدرت کار داشته باشد، پیدا نخواهیم کرد. درست است می‌شد بازیگر دیگری برای نقش سرخو بگذاریم ولی شاید مثل آقای نادر فلاح یا نادریم یا خیلی کم بوده که آن موقع یا سر کار بودند یا به ذهن ما نرسیده‌است.

راعی: اینجا ایران است و تعداد محدودی بازیگر داریم. مهم این است که چطور به نتیجه می‌رسیم، ما به نتیجه رسیدیم؛ یعنی سرخوی ما بسیار سرخو است. فکر نمی‌کنم آقای پاک‌نیت قبلاً خانی با این ابعاد بازی کرده باشد. بسیار خوب درآمده و همه چیزش را می‌پذیریم و ضغف‌ها، قوت‌ها، ظلم‌ها و مهربانی‌هایش را می‌بینیم و سرخو هم همه این‌ها را درآورده. در مجموع از بازیگران این کار بسیار راضی

یعنی علاوه بر گیمرها و بازی‌کننده‌های بازی‌سازهای پردازیم. او ادامه داد: محوریت اصلی صباحگاه که در زیرلایه‌های برنامه وجود دارد، توان داخلی شرکت‌های دانش‌بنیان در عرصه بازی‌های رایانه‌ای و تلفن همراه است. ما می‌خواهیم بدانیم این قشر چه مشکلاتی دارند و کشور ما در عرصه بازی‌های رایانه‌ای در چه رتبه‌ای قرار دارد.

تهیه‌کننده برنامه صباحگاه رادیو صبا افزود: در این برنامه درباره

هستم. نقش آقای فرخ نعمتی در سناریویی که نوشته شده بود و اهمیتی که الان در اجرا پیدا کرده را نداشت. آقای نعمتی به خاطر توانایی، تجربه و تلاش زیادی که کرد نقش را خیلی بهتر از متن آفرید. رابطه دو پیرمرد یعنی آقای جاویدفر و آقای فقیه که همیشه با هم هستند فوق‌العاده خوب درآمد و آدم قبول می‌کند که این دور در ایل ۵۰ سال با هم رفیق بودند، انگار همدیگر را حس می‌کنند و در صحنه هم دائم با هم بودند. زنده‌یاد کریم اکبری مبارکه خیلی خوب نقش را بازی کرد که چه حضور، چه صدا و چه اجرایی داشت. مهم این است گروهی که انتخاب می‌کنید درست باشد. مشکل‌ترین کاری که همیشه در کارگردانی دارم انتخاب و ترکیب بازیگران در کار است و خیلی رنج می‌کشم تا هماهنگ شود.

در این سربال می‌بینیم بی‌بی‌کتا (لاله اسکندری) در ایل تصمیم‌های درستی می‌گیرد و بهادر به عنوان پدر خانواده (حسین محبوب) باران‌هایی بی‌بی‌کتا مسیر زندگی‌را طی می‌کنند اما این برخلاف تصویرمان از تاریخ است، زیرا در تاریخ قبل از مشروطه زنان خیلی اجازه ابراز وجود نداشتند. چطور شد که تصمیم گرفتید بی‌بی‌کتا چنین نقشی در ایل داشته باشد؟ **براهیمی:** این موضوع به واقع بینی برمی‌گردد. ما تجربه‌ای داریم که شاید خلاف آنچه مطالعاتی که در دانشگاه و فضای شهری شکل گرفته، باشد که زن‌ها در پستو بودند و چنین و چنان بودند و بعد آزاد شدند. از تجربه شخصی‌ام برای تان می‌گویم. مادرم یک زن چادری و سنتی بود که در خیابان حتما یک قدم پشت‌سر پدرم حرکت می‌کرد ولی تمام امور خانه دست مادرم بود و فعال بود و امور بیرون از خانه با پدرم بود و تمام تحصیلات ما دست مادرمان بود و پدرم نمی‌دانست کلاس چندم هستیم و هنوز هم تأثیر مادرم روی ما ماندگار است. معنایی که از سنت از طریق گفت‌مان غربی که زن چنین بود و چنان شد واقعیت ندارد. نمی‌توانم بپذیرم زنان در ایلات حق اظهار نظر نداشتند اما چیزهایی هست که شاید سابقه نداشته باشد. مثلاً در

مجالس حضرات زن نمی‌نشست و این شاید ابداع بود که از یک جاهایی بی‌بی‌کتا می‌شنید و حرف می‌زند و رأیش مورد قبول قرار می‌گیرد. به نظرم زنان نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در گذشته ایران داشتند و حق رأی زنان زودتر از خیلی از کشورهای اروپای شمالی به آنها داده شد که در مجلس آن زمان سروصدا ی زیادی ایجاد کرد اما تصویب شد. از لحاظ تاریخی هم عقب نبودیم. یعنی زمانی که در ایران حق رأی به زنان داده شد، در بعضی از کشورهای اروپای شمالی زنان مطلقاً حق رأی نداشتند. به نظر می‌آید مطالعات زنان باید یک بازنگری تاریخی در خیلی از حوزه‌ها داشته باشد. یعنی خود را از اسارت یک گفت‌مان دریاورد و به سمت واقعیت برود و واقعیت تاریخی را بررسی کند.

قسمت‌هایی که بی‌بی‌کتا در جمع حضرات نشسته در سابقه تاریخی ندیدم که ممنوع است یا از طریق شوهرش این کار را می‌کرده‌است.

این سربال به خاطر فضای طبیعی و زندگی عشایر بستری

مشکلات این صنعت و پیشرفت‌هایی که می‌توانیم به‌دست بیاوریم، صحبت خواهد شد. این برنامه بیشتر مستند رادیویی است که ما به محل کسب‌وکار گیمرها یا بازی‌سازها می‌رویم. بیشتر این افراد مشاغل مرتبط با بازی یا مشاغل غیرمرتبط دارند. به‌عنوان مثال، چند تا از بازی‌سازها شغل اصلی‌شان بازی‌سازی بود. بقیه خبرنگار یا تدوینگر یا انیمیشن‌ساز بودند که در کنار کار اصلی‌شان، گیم‌ر یا بازی‌ساز شدند.



فراهم می‌کنند که شما هم در کار نشان می‌دهید و می‌توانید قاب‌بندی‌های خیلی زیبا را نشان دهید اما از حدی بیشتر نمی‌شود و شما اسیر این فضای طبیعی و خانه‌های تاریخی نمی‌شوید که البته از نگاه ما مثبت است اما از یک طرف مخاطب انتظار داشته بیشتر چنین قاب‌هایی را ببیند. نگاه خودتان چه بود؟

راعی: وقتی متن خیلی خوب باشد، خودش اجازه نمی‌دهد شما هر کاری کنید. متن خیلی روشن و شیرین بود. هیچ جای این متن به قاب‌های اضافه نیاز نداشت. البته در بخش‌هایی هم نیاز داشتیم که تصاویری از بازار بزرگ قدیم شیراز نشان بدهیم، حتی برنامه‌ریزی‌هایش را کرده بودیم اما بودجه اجازه نداد این کار را انجام دهیم و گفتیم روی بازار بنویسید بازار شیراز.

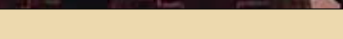
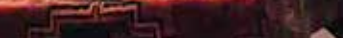
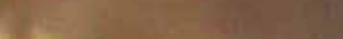
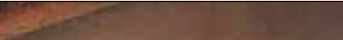
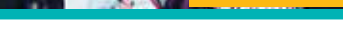
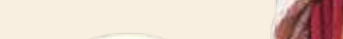
با توجه به این‌که در کنار قصه اصلی سربال ما با خرده داستان‌های زیادی روبه‌رو هستیم، طبیعی است نگارش متن کار

باشد. برای نگارش متن چطور تقسیم‌کار را انجام دادید؟ **گلین:** قبل از پاسخ دادن به پرسش شما باید بگویم دو نفر روی این کار تأثیرگذار بودند؛ یکی آقای نجاریان و دیگری آقای راعی. شاید تلویزیون، مدیران و مخاطبان بسیار علاقه داشته باشند که کارهای جدی ببینند اما کار جدی اتفاقی رخ نمی‌دهد و حتماً اراده‌های بزرگی پشتش است. در این کار اگر گذشت، فداکاری، صبر و حوصله آقای نجاریان نبود. این سربال صد بار با سر به زمین می‌خورد. سناریو، اصلش مال آقای راعی است و وقتی او سناریو را به ما تحویل داد، کامل بود. کار کامل عبارت است از یک خط داستانی قوی، یک سری افراد و شخصیت‌های قوی که آقای راعی هر دو را داشت. آقای راعی متنی داشت که به نقطه قابل قبولی رساندند سپس ما همراه آقای راعی شدیم؛ یعنی ما آنچنان را آنچنان‌تر کردیم؛ یعنی حتماً یک چیز محکم و قرص وجود داشته و ما سعی کردیم، زحمات آقای راعی را کامل کنیم، به همین دلیل قلم زدیم و دیالوگ نوشتیم.

دیالوگ‌های خیلی خوبی می‌بینید. آقای براهمی یک سربال ۲۰ قسمتی نوشته بود که در مورد سعدی و از داشته‌هایش در این کار هم استفاده کرد. چیزی که داریم می‌بینیم نتیجه کار جمعی رفقا و گفت‌وگوی دوستانه و همدلی با هم بود؛ یعنی ما مفتخریم در جمعی همدل بودیم، همه کسانی که به مجموعه ملحق شدند به کار اضافه کردند؛ یعنی آقای کاردان به قوام اضافه کرده؛ یعنی قوامی را آورده که از منن بسیار بالاتر است. تمام بازیگران چیزی به کار اضافه کردند. آقای عاشوری مدیر فیلمبرداری سربال بیشتر از یک سر و گردن از کارهای مشابهش بالاتر است. همه برای این کار آورده‌هایی داشتند. این که گروهی جمع شدند و با وجود سختی‌ها اما با دل خوش این کار را انجام دادند، نتیجه‌اش لذیذتر است.



برای خواندن متن کامل گفت‌وگو
کیو‌کد را اسکن کنید



یادی از درگذشته «آتش و باد»

زنده‌یاد کریم اکبری مبارکه یکی از بازیگران سربال «آتش و باد» است که به دلیل ابتلا به کرونا درگذشت. این بازیگر که از او نقش آفرینی‌های با قدرتی را به خاطر داریم در تلویزیون با سربال‌های امام‌علی(ع)، مختارنامه، بچه‌مهندس، مرغ‌حق، گرگ‌ها، جابرین حیان و ... دیده شد.



کیو‌کد را اسکن کنید

شخصیت‌هایی که خوب پرداخته شده‌اند

صدرالدین حجازی ایفاگر نقش خولی در مختارنامه در سربال «آتش و باد» نقش شوکت خان را بازی کرده‌است، او درباره این نقش به جام‌جم می‌گوید: وقتی ایفای این نقش به من پیشنهاد شد، فیلمنامه را خواندم و فهمیدم این سربال متن خیلی خوبی دارد و خوشم آمد. قصه یکجورایی درباره مشروطه است و خیلی صریح، صادقانه، آگاهانه و بدون تحریف نوشته شده، نویسندگان کاملاً به‌گوش و نگارش آن زمان اشراف دارند و شخصیت‌پردازی‌ها هم خوب از آب درآمده است. وی همچنین ادامه می‌دهد: نویسندگان این سربال وارد متن مشروطه نمی‌شوند و حوادث ناشی از آن را نمایش می‌دهند. می‌شود گفت قصه سربال، این‌ه‌ای از آن زمان است. در این سربال چند خان حضور دارند که باید یک‌در دیگری‌های قومی و عشیره‌ای دارند و جاه‌طلبی‌ها، خودخواهی‌ها، تفرع و تکبر این شخصیت‌ها در قصه بروز می‌کند. وی می‌افزاید: چنین آثاری یک‌بار ساخته می‌شوند، مثل سربال مختارنامه. اگر بخواهند درباره حافظ و مولانا هم اثری تولید کنند، همان یک اثر است. سربال ساختن از این شخصیت‌ها مثل آثار اجتماعی نیست که همه نوش ساخته شود. تلویزیون چون می‌داند یک‌بار ساخته می‌شود، آگاهانه عمل کرده و امکانات خوبی را فراهم آورده است.



سیما

پایدارخان در وجود من بود



جواد قاضی را با فیلم «پوست» بیشتر می‌شناسیم. او در سربال «آتش و باد» نقش پایدارخان را بازی کرده است که در این باره می‌گوید: آقای راعی شخصیت پایدار خان و نامدار خان که پسرهای فتح... خان هستند را برایم تشریح کردند. پایدارخان در دارالفنون تهران درس می‌خواند اما به واسطه اتفاقاتی به همراه برادرش به منطقه برمی‌گردند؛ در ادامه هم درگیر ماجراهایی می‌شوند که آنها را در منطقه پایند می‌کند و اتفاق‌های جدیدی را رقم می‌زند. پایدار خان، جوانی که سوداهایی در سر دارد و پس از بازگشت به زادگاهش، در ارتباط با برخی از شخصیت‌های داستان دچار چالش می‌شود، یکی از پایه‌های اصلی قصه آتش و باد است که در ۲۰ قسمت از سربال حضور پررنگی دارد. وی در ادامه عنوان می‌کند: پایدار خان در وجود من بود، سعی می‌کردم با هر بار خواندن این نقش بیشتر در وجودم شکل بگیرد و به سخن گفتن و عمل کردن بینجامد. منتهی چون با شخصیت من فاصله دارد داشت، من را تحت تأثیر قرار می‌داد و اجازه حضور به آن دادم.

یادداشت

قهرمان قابل باور در ژانر خان رعیتی



محمد سلیمانی
منتقد

